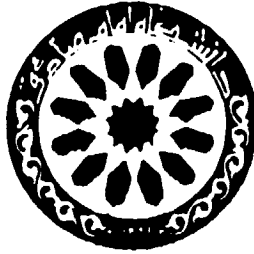




۲۱۹۸۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت ۳۴
شماره ۴



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

مبانی و شرایط مشروعیت

۱ / ۸ / ۱۳۷۷

نظام سیاسی در اسلام

مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران
تاسیس ۱۳۵۷

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما : جناب آقای عمیدزنجانی

اساتید مشاور:

جناب آقای دری نجف آبادی جناب آقای دکتر حلبی

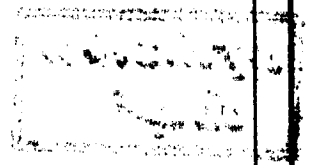
نگارش از: محمد رضا مرندي کد: ۶۲۳۱۶۱۱۱۵

تاریخ: شهریور ۱۳۷۱

۲۱۹۸۸

۹۲۴،۲

۱۳۸۷/۲۲۷۱



دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی مسؤول عقایدی که

نویسنده در این پایان نامه اظهار نموده است، نمی باشد.

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به دانشگاه امام صادق علیه السلام

می باشد. و هر نوع استفاده از کل یا بخشی از آن مازاد و اگذاری به دیگر

مؤسسات، چاپ و مانند آن منوط به اجازه کتبی از دانشگاه می باشد.

فهرست مطالب و عناوین:

صفحه	عنوان
۱-۶	مقدمه: طرح موضوع و بیان اهمیت، فایده، هدف و روش تحقیق ما
۷-۳۳	فصل اول: تعاریف و کلیات
۷-۳۰	بخش اول: تعاریف لغوی و اصطلاحی واژه‌های اصلی
۷	- حکومت یا نظم سیاسی
۹	- دولت
۱۲	- حاکمیت
۱۵	- قدرت
۱۷	- اقتدار (مجوز و حق حکومت کردن)
۲۰	- مشروعیت (مقبولیت یا حقانیت)
۲۳	- خلافت و خلیفه
۲۵	- امامت و امام
۳۰-۳۳	بخش دوم: وجه افتراق و ارتباط برخی از مفاهیم اصلی
	۱. وجه ارتباط میان سه مفهوم، قدرت، اقتدار و مشروعیت (مقبولیت) ۲۰. وجه
۳۰	ارتباط میان دو مفهوم: قدرت، حاکمیت و ارتباط آن دو با مشروعیت (حقانیت)
۳۱	۳. وجه ارتباط و افتراق دو اصطلاح "حکومت" و "نظام سیاسی"
۳۲	۴. وجه ارتباط و افتراق میان دو مفهوم امامت و نبوت
۳۴-۶۳	فصل دوم: مشروعیت (مقبولیت) نظام سیاسی از دیدگاه‌های مختلف و اسلام
۳۵	مقدمه: فایده و هدف از این بحث
۳۵-۳۷	- منشأ قدرت تمرکز (دولت)

صفحه	عنوان
۳۵	الف) منشأ تکوینی قدرت تمرکز (دولت)
۳۶	۱. نظریه طبیعی یا فطری
۳۶	۲. نظریه الهی: (جبریت دولت)
۳۶	۳. نظریه اجتماعی (صناعی)
۳۷	۴. نظر اسلام
۳۸-۳۹	ب) منشأ نظری قدرت تمرکز (دولت)
۳۸	۱. نظریه منشأ ملی دولت
۳۸	۲. نظریه منشأ الهی دولت
۳۸	۳. نظریه مارکسیستی
۳۹	۵. نظریه مشروعیت دوگانه (الهی - مردمی)
۴۰-۵۳	بخش اول: دیدگاهها در زمینه مشروعیت نظام سیاسی و ابزارهای توجیه یا منابع مشروعیت
۴۳	۱- اقتدار یا مشروعیت سنتی
۴۶	۲- اقتدار یا مشروعیت شخصی یا کاریزمایی
۴۷	- خصوصیات اقتدار پیشوایی
۴۹	۳- اقتدار یا مشروعیت قانونی
۵۱	تقسیم بندهای دیگر در باره مشروعیت
۵۴-۶۳	بخش دوم: ابزار توجیه (منبع) مشروعیت نظام سیاسی (سلطه مشروع) از دیدگاه اسلام
۵۴	مشروعیت سنتی و دیدگاه اسلام
۵۴	الف) بحث نظری

صفحه	عنوان
۵۵	ب) بحث علمی و کاربردی
۵۵	- مشروعیت پیشوایی و دیدگاه اسلام
۵۸	- مشروعیت قانونی و دیدگاه اسلام
۵۹	- منبع مشروعیت و اقتدار نظام سیاسی از دیدگاه اسلام
۵۹	- فرق میان منبع و منشاء مشروعیت و مقبولیت اقتدار
۶۰	الف) مشروعیت مصطلح در علوم سیاسی و حقوق اساسی (حقانیت و مقبولیت)
۶۰	۱. منشاء مشروعیت (حقانیت یا مقبولیت)
۶۱	۲. منبع مشروعیت (حقانیت یا مقبولیت)
۶۱	ب) مشروعیت مصطلح در فقه و متون اسلامی (مشروعیت)
۶۱	۱. منشاء مشروعیت نظام سیاسی
۶۳	۲. منبع مشروعیت (مشروعیت مصطلح در متون اسلامی)
۶۵-۱۷۳	فصل سوم: مبانی مشروعیت نظام سیاسی از دیدگاه اسلام
۶۵-۶۶	مقدمه: ارتباط میان مشروعیت نظام سیاسی و چگونگی تعیین حاکم اسلامی
۶۷-۷۵	بخش اول: ریشه تاریخی اختلاف نظر دیدگاه‌های مختلف سنی و شیعه در کیفیت تعیین حاکم اسلامی
۶۷	- واقعه غدیر خم
۶۹	- ماجرای سقیفه بنی ساعده و خلافت ابوبکر
۷۳	- ماجرای خلافت عمر بن خطاب (۱۳ هجری)
۷۳	- ماجرای خلافت عثمان (سال ۲۳ هجری)
۷۴	- ماجرای خلافت خلیفه چهارم امام علی بن ابی طالب (ع)
۷۴	- خلافت پس از خلفای راشدین

بخش دوم: چگونگی تعیین حاکم اسلامی از دیدگاه علمای ۱۰۱-۷۶
سنی و شیعه

- ۷۶ الف) - آراء و دیدگاه علمای اهل سنت
- ۷۶ - ماوردی
- ۷۸ - قاضی ابویعلی
- ۷۹ - ابن تیمیه
- ۸۰ - ابن قدامه
- ۸۱ - عبدالملک جوینی
- ۸۱ - عضدالدین ایجی و میر سید شریف جرجانی
- ۸۲ - فضل‌الله بن روزبهان جنخی
- ۸۳ - جمع بندی آرای علمای اهل سنت
- ۸۴ - تقسیم بندی آرای علمای اهل سنت
- ۸۶ - نقد و بررسی دیدگاه علمای اهل سنت
- ۸۷ - نقد و بررسی اجماع به عنوان یکی از طرق تعیین حاکم اسلامی
- ۸۷ الف) بحث فقهی و حقوقی اجماع
- ۹۴ - تفاوت‌های دو دیدگاه سنی و شیعی درباره اجماع به عنوان یکی از منابع فقه اسلامی
- ۹۵ ب) اثر حقوقی بحث اجماع بر چگونگی تعیین حاکم اسلامی نزد اهل سنت
- ۹۸ - نقد و بررسی طرق دیگر تعیین حاکم اسلامی از دیدگاه اهل سنت
- ۱۰۲-۱۲۷ ب) - آراء و دیدگاه‌های علمای شیعه درباره کیفیت تعیین حاکم اسلامی
- ۱۰۶ - ابن سینا
- ۱۰۷ - خواجه نصیرالدین طوسی
- ۱۰۸ - علامه حلی
- ۱۱۰ - ملا احمد نراقی

صفحه	عنوان
۱۱۱	- میر فتاح حسین مراغی
۱۱۲	- صاحب جواهر
۱۱۳	- شیخ مرتضی انصاری
۱۱۴	- آیت الله میرزا حسین نائینی
۱۱۷	- آیت الله العظمی بروجردی
۱۱۹	- امام خمینی قدس سره
۱۲۶	- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۲۸	- جمع بندی آرای علمای شیعه در کیفیت تعیین حاکم اسلامی
۱۲۹	- مفاد نظریه "نصب" در تعیین حاکم اسلامی (نظریه امامت انتصابی یا نظریه...)
۱۳۱	- ادله نظریه "نصب" حاکم اسلامی
۱۳۴	- احتمالات مختلف در تحقق نظریه نصب حاکم اسلامی
۱۳۵	- بررسی احتمالات نصب
۱۳۹-۱۴۵	- چند نکته مهم:
۱۳۹	۱. نظریه نصب یا امامت انتصابی ثبوتاً محال نیست
۱۴۱	۲. مقصود از نظریه انتخاب و فرق آن با نظریه نصب
۱۴۳	۳. "نصب" و "انتخاب" قابل جمع است
۱۴۳	۴. لزوماً انتخاب و رضایت مردم به فعلیت رساننده "نصبی" الهی نیست
۱۴۶	- مفاد نظریه مشروعیت الهی - مردمی نظام سیاسی یا نظریه انتخاب
	- ادله اثبات صحت و لزوم تعیین حاکم اسلامی به وسیله انتخاب امت اسلامی
	پس از احراز مشروعیت الهی
۱۵۷	الف) ادله لزوم احراز مشروعیت الهی برای نظام سیاسی اسلام

صفحه	عنوان
۱۵۹	ب) ادله لزوم احراز مشروعیت مردکی برای نظام سیاسی اسلام
۱۶۰	۱. فلسفه آفرینش انسان
۱۶۳	۲. قرار داده شدن خلافت در زمین بر انسان از سوی خداوند
۱۶۴	۳. نفی اجبار و اکراه مردم و توجه به حراست و اراده ایشان و مشورت با آنها
۱۶۵	۴. دلیل عقل و سیره و بنای عقلا
۱۶۸	۵. وجوه آیات و روایات اجتماعی اسلام و مورد خطاب واقع شدن مردم در آنها
۱۶۸	۶. سخن و سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)
۱۷۴-۱۹۴	فصل چهارم: شرایط مشروعیت نظام سیاسی و حاکمیت مشروع از دیدگاه اسلام
۱۷۵-۲۰۹	مقدمه: هدف از این بحث و ارتباط آن با صفات و شرایط حاکم اسلامی
۱۷۷-۱۸۴	بخش اول: صفات و شرایط حاکم اسلامی از دیدگاه علمای سنی
۱۷۷	- فارابی
۱۷۸	- ماوردی
۱۷۸	- ابن حزم
۱۸۰	- قاضی ابویعلی
۱۸۰	- غزالی
۱۸۰	- عبدالملک جوینی
۱۸۱	- ابن تیمیه
۱۸۱	- عضدالدین ایجی و میر سید شریف جرجانی
۱۸۲	- ابن خلدون
۱۸۳	- جمع بندی آرای علمای اهل سنت

صفحه	عنوان
۱۸۵-۱۹۴	بخش دوم: صفات و شرایط حاکم اسلامی از دیدگاه علمای شیعه
۱۸۵-۱۸۷	- مقدمه
۱۸۷	- ابن سینا
۱۸۸	- خواجه نصیرالدین طوسی
۱۸۸	- علامه حلی
۱۹۰	- مقصود از اصطلاح فقیه جامع الشرائط، نزد فقهای شیعه
۱۹۱	- صفات و شرایط حاکم اسلامی نزد سایر علمای برجسته شیعه
۱۹۱	- میرزای نائینی
۱۹۲	- صفات و شرایط حاکم اسلامی از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۹۳	- جمع بندی آرای علمای شیعه
۱۹۴	- یک نتیجه مهم
۱۹۵-۲۰۳	فصل پنجم: جمع بندی فصول گذشته و نتیجه گیری ها
۲۰۴-۲۱۷	فهرست منابع و مأخذ

تعبیر مشروعیت نظام سیاسی در متون اسلامی و علوم اجتماعی دارای دو مفهوم جداگانه است. در متون اسلامی مقصود از آن: مطابقت نظام سیاسی با شرع و احکام الهی می باشد در حالیکه در علوم اجتماعی همانند سیاست، جامعه شناسی و حقوق این واژه از ترجمه Legitimacy گرفته شده که به معنای مقبولیت، قانونیت و حقانیت حکومت است. لذا برای تفکیک میان این دو مفهوم، از مشروعیت نوع اول به دینی و از نوع دوم به سیاسی یاد می کنیم. منشا اولی مشروعیت دینی یک نظام سیاسی، خداوند می باشد در حالیکه در مشروعیت سیاسی، منشا مردم هستند. مشروعیت سیاسی به پنج صورت ممکن است تحقق یابد: ۱- سنتی؛ ۲- کاریزمایی؛ ۳- قانونی؛ ۴- مادی (رفاهی)؛ ۵- مذهبی.

مشروعیت سیاسی نظامهای دینی از جمله نظام اسلامی، از نوع مذهبی است.

اما در مورد منشا مشروعیت دینی نظام اسلامی، میان علمای فرق مختلف اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. در این خصوص باید گفت که ارتباط بسیار نزدیکی میان منشا مشروعیت و چگونگی تعیین حاکم اسلامی وجود دارد یعنی به هر صورتی که حاکم تعیین شود به همان صورت نیز مشروعیت دینی نظام سیاسی مشخص می شود. بطور کلی در میان علمای اهل سنت، چهار دیدگاه فقهی مشهور در تعیین حاکم اسلامی وجود دارد:

۱- دیدگاهی که تعیین حاکم را به وسیله حاکم قبلی می داند که مطابق آن منشا مشروعیت نظام سیاسی شخص حاکم خواهد بود؛

۲- دیدگاهی که تعیین حاکم را به وسیله ولایتعهدی می داند که مطابق آن منشا مشروعیت ارث می شود؛

۳- دیدگاهی که تعیین حاکم را به وسیله قهر و غلبه می داند که مطابق آن منشا مشروعیت قدرت و زور می شود؛

۴- دیدگاهی که تعیین حاکم را به وسیله اجماع امت یا اهل حل و عقد می داند که مطابق آن منشا مشروعیت، امت اسلامی است.

در میان علمای شیعه دو دیدگاه مشهور در تعیین حاکم اسلامی وجود دارد:

الف) دیدگاهی که تعیین حاکم اسلامی را از طریق نصب امام معصوم (ع) می داند و معتقد است که این نصب در مورد فقهای جامع الشرایط صورت پذیرفته است. مطابق این دیدگاه تنها منشا مشروعیت نظام سیاسی، خداوند می باشد که پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در طول آن قرار می گیرند و مردم در نظام سیاسی فقط از دو جهت مداخلت دارند: ۱- تحقق و فعلیت؛ ۲- کارآمدی. اما در مشروعیت نظام هیچ گونه مداخلتی ندارند.

ب) دیدگاهی که تعیین حاکم اسلامی را از طریق انتخاب مردم در چارچوب شرع می داند که مطابق آن، منشا مشروعیت حکومت، دوگانه یعنی خداوند و مردم می باشد. این دیدگاه قائل به آن است که امت اسلامی به دلیل حقی که خداوند به وی تفویض کرده، در تعیین حاکم اسلامی در محدوده شرع، منشا ثانوی مشروعیت نظام سیاسی است.

در پایان با بررسی دیدگاههای علمای سنی و شیعه در صفات و شرایط حاکم اسلامی به عنوان شرایط مشروعیت نظام سیاسی به این نتیجه می رسیم که دو صفت؛ اجتهاد و عدالت از جمله صفات مورد اتفاق اکثریت آنهاست به عبارت دیگر ولایت فقیه به عنوان شرط مشروعیت حکومت، یک نظریه عمومی در میان علمای اسلامی اعم از سنی و شیعه است.

والسلام

(۱)

" بسم الله الرحمن الرحيم "

" مبانی مشروعیت نظام سیاسی ازدیدگاه اسلام "

مقدمه

(شامل : طرح موضوع و بیان اهمیت ، فایده ، هدف و روش تحقیق مادر این پایان نامه)

مساله مشروعیت نظام سیاسی از جمله مسائلی است که از قدیم الایام علما و صاحب نظران علوم سیاسی و فلاسفه اجتماعی و همچنین حقوقدانان بین المللی رابه خود و ادا داشته است . هر کدام مطابق بینش فکری و عقیدتی خویش آن رابه گونه ای تعریف کرده و منشاء آن را به پیروی از همان بینش ، چیزی دانسته اند . در یکی دو قرن اخیر که حقوق اساسی و علوم سیاسی و علوم مشابه ، به صورت متقن و مدونی شکل یافت ، اصطلاح مشروعیت و تعریف و جایگاه آن در حقوق اساسی و حقوق بین الملل ، بیش از پیش ، روشن و مفتوح گشت اما هنوز نمی توان ادعا نمود که دارای تعریفی کامل پذیرفته شده و حقوقی می باشد .

اما این اصطلاح به دلیل آنکه در ترجمه فارسی و عربی آن از کلمه " شرع " که به معنی " حکم خداوند و دین " است ، گرفته شده ، موجب التباس و خلط معنی لغوی و اصطلاحی آن نزد حقوقدانان و صاحب نظران علوم سیاسی و روابط بین الملل از یک طرف و فقها و علما و صاحب نظران علوم اسلامی ، از طرف دیگر شده است . گروه نخست معمولاً مقصودشان از اصطلاح مشروعیت ،

(۱) در بخش تعاریف پایان نامه ، تمامی واژه ها و اصطلاحات به تفصیل هم از نظر لغوی و هم اصطلاحی توضیح داده خواهد شد .

مورد قبول عموم مردم بودن است درحالی که گروه دوم هرگاه از مشروعیت نظام سیاسی سخن به میان می آورند، مطابقت آن با احکام شرع و شرعی بودن نظام را مورد نظر دارند. درحقیقت، اساس این دوگانگی در تعبیر و تعریف از مشروعیت که موجب برداشتهای متفاوت و احياناً " اشتباهی از آن در میان هر دو گروه حقوقدان و فقها شده است. از ترجمه غیر دقیق و نارسای آن به عربی و فارسی، که دارای تعبیر دوگانه ای نزد این دو گروه می باشد، سرچشمه می گیرد. چه آنکه این اصطلاح که اصل انگلیسی آن Legitimacy است، گرچه یکی از معانی لغوی آن مشروعیت نیز می باشد، لکن مفهوم آن در علوم سیاسی و حقوق اساسی با کلماتی همچون، حقانیت، " مقبولیت " و " یا " قانونیت " (در آنجایی که مقصود، مطابقت با قانون باشد)، مترادف و مناسب تر است تا با واژه " مشروعیت " که دارای ایهام بوده و نزد فقها و علمای دین به انطباق با شرع، تعریف می شود.

بی شک همین التباس بین معنی اصطلاحی و لغوی نزد این دو گروه از یک طرف و میان خود فقها و علمای اسلامی از طرف دیگر، در تشدید اختلاف نظر در باره تعریف و مبنای مشروعیت نظام سیاسی و پیچیدگی آن بی تاثیر نبوده است.

مناسفانه اشکال عمده ای که در کتب موجود - چه آنهایی که در زمینه علوم سیاسی و حقوق اساسی نوشته شده است و چه آنهایی که در زمینه فقه سیاسی و حکومت اسلامی - مشاهده می شود، عدم توجه به امثال این لغات و اصطلاحات، از دیدی جامع و دوابعاد می باشد. زیرا آنهایی که در علوم جدید متخصص می باشند، عموماً " در علوم قدیم و معارف اسلامی صاحب نظر و بعضاً " حتی آشنا نیستند و برعکس اکثر فقها و علمایی که در فقه سیاسی و علوم

۱) هما نظور که در پیش گفتیم، این مطلب در بخش تعریف به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

اسلامی، صاحب‌نظر و خیره می‌باشند، نسبت به علوم جدید و اصطلاحات علمی آن، کاملاً آشنایی ندارند و اگر عده قلیلی از آنها هم‌آشنایند، حداقل این حقیر، در کتب موجود، کتاب و اثری را که از هر دو گروه از اساتید به رشته تحریر درآمده باشد و با دید و نگرشی جامع برایین مسأله (مشروعیت نظام سیاسی) نگریسته باشد، نیافتم و البته "عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود" ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که حقیقتاً "هر کدام از دو گروه، در زمینه و بعدی که تحقیق کرده‌اند، قابل احترام و ارج می‌باشند و آثار ایشان در همان بعد نیز مفید و گرانقدر است و این نوشتار نیز قصد تخفیف اهمیت و شرکاء ایشان را نداشته و ابداً "در این مقام نیست که آن را کم ارزش جلوه دهد. در این پایان نامه - علی‌رغم بی‌اعتنا به علمی نگارنده آن - در هر دو زمینه (سیاسی و اسلامی) - سعی شده است که:

الف) یک تعریف علمی کامل از مفهوم مشروعیت نظام سیاسی و انواع آن و واژه‌های سیاسی، حقوقی و فقهی مرتبط با آن و مبنا و منشاء آن از دیدگاه‌های مختلف ارائه شود.

ب) مفهوم "مشروعیت" در اصطلاح اسلامی و ارتباط آن با "مشروعیت" مصطلح در علوم سیاسی و حقوق اساسی و جایگاه دیدگاه اسلامی در این زمینه در میان دیدگاه‌های مختلف موجود، بررسی و مشخص شود.

ج) مبانی مشروعیت نظام سیاسی و منشاء آن از دیدگاه‌های مختلف اسلامی و از دید علمای و فقهای مذاهب گوناگون اسلامی - اعم از شعبه و سنی - و همچنین ریشه‌های تاریخی و فقهی (حقوقی) هر کدام، بررسی و تعیین شود.

د) شرایط تحقق و اعمال مشروعیت نظام سیاسی از دیدگاه علمای و فقهای مذاهب مختلف اسلامی مورد بحث و تحقیق قرار گیرد.

خوب، آنچه گذشت طرح موضوع بود، حال به بیان اهمیت، فایده و

هدف از این تحقیق، خواهیم پرداخت به علت اینکه در هر بحث و تحقیقی این سه عامل و مورد، بسیار به هم مربوط و درهم مخروج می باشند، در اینجا هر سه را با هم ذکر خواهیم نمود.

در بیان اهمیت و فایده بحث مشروعیت می توان ادله زیر را ذکر کرد :

- ۱) مشروعیت، نه تنها باعث ایجاد ثبات در نظام می شود، بلکه دگرگونی و تغییر را نیز با هزینه کم، امکان پذیر می سازد.
- ۲) مشروعیت به طور همزمان، هم قدرت تصمیم گیری زمامداران را افزایش می دهد (به علت اقتداری که به ایشان اعطا می کند) و هم این قدرت را محدود می سازد (به علت محدودیت خود مشروعیت).
- ۳) اعطای مشروعیت (در معنی اصطلاحی آن) از سوی مردم به نظام، موجب محدود شدن آزادی عمل شهروندان در حیطه مشروعیت اعطایی می شود.

علاوه بر اینها :

مشروعیت موجب تعادل و ثبات بیشتری در نظام می شود و تصمیم گیری در موقعیتهای دشوار را برای رهبران و زمامداران آسان می کند.

حکومت مشروع، علاوه بر ثبات اجتماعی، ممکن است موجب تغییرات و دگرگونیهای اجتماعی نیز باشد. به هر میزان که یک رژیم از مشروعیت بیشتری برخوردار باشد، نیاز کمتری به قدرت صریح، مانند فعالیت نظامی و پلیسی دارد. این امر باعث می شود که منابع نظام در جهت تغییر اجتماعی صلح آمیز به کار گرفته شود.

حاکمیت مشروع همچنین ممکن است منجر به تغییر در خط مشی ها و سیاستها شود. هنگامی که ساختارها و رهبران در نظر مردم، مشروع تلقی شوند، حمایت همه جانبه از رهبران صورت می گیرد، این حمایت به عملکردهای خاص وابسته نبوده، فراگیری باشد. همچنین حمایت گسترده مردمی، رهبران را قادر به

(۵)

اتخاذ تدابیر و تصمیمات اقتصادی و سیاسی خاص در مراحل بحرانی، می‌کند. مشروعیت، کاربرد منابع را تقویت کرده، آن را توسعه می‌دهد و قدرت رهبر را به عبارت دیگر حق بالقوه و ارادری را بر کاربرد منابع، افزایش می‌دهد و از طرف دیگر کاربرد قدرت را محدود می‌سازد. زیرا اصول مشروعیت، تعهدات و محدودیتهای حقوقی خاص را بر رهبر تحمیل می‌کند.

در همه موارد مذکور، مشروعیت، در هر حال، قیودی را بر رفتار حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان تحمیل می‌نماید. و اما از دید اسلامی، مشروعیت نظام سیاسی از جهات دیگری نیز اهمیت و نمود پیدا می‌کند:

الف) در مسائل فردی: یک فرد مسلمان، از آن نظر که یک مسلمان است دارای یک سری تکالیف فردی و اجتماعی است که دین اسلام و احکام شرع و حکم عقل برگردن او نهاده است. از جمله مهمترین این تکالیف، تکلیف شرعی او در مقابل نظام سیاسی و حکومتی است که وی تحت سیادت آن قرار دارد. به دلیل آنکه در شرع مقدس اسلام هر مساله و موضوعی دارای حکم و محمولی شرعی است که فرد مسلمان مکلف به رعایت آن می‌باشد، در بحث نظام سیاسی و مملکت و منشاء و مبنای مشروعیت آن نیز دارای رای و حکم است که تکلیف مکلف را در خصوص آن روشن می‌کند. یک فرد مسلمان باید بدانند که چه نظامی از نظر اسلام دارای مشروعیت است و او مکلف به حمایت و اطاعت از آن است و چه نظام و حکومتی مشروع نیست و او باید در مقابل آن بایستد. او باید بدانند که مملکت و مبنای مشروعیت نظام سیاسی از دیدگاه اسلام چیست تا اگر آن مملکتها و مبانی را در نظامی یافت و یا برعکس، نیافت به وظیفه و تکلیف خویش عمل کرده باشد.

ب) در مسائل اجتماعی (حقوقی و قانونگذاری):



(۶)

در حقوق اساسی یکی از مباحث اصلی و اساسی مبنای مشروعیت نظام و خاستگاه آن است که نظام‌های سیاسی بر پایه آن شکل می‌گیرد. اینکه حق حاکمیت مشروع از آن کیست، مهمترین بحث حقوقی در حقوق اساسی است. با توجه به اینکه از نظر اسلام، احکام شرع در تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی بشر سازی و جاری است، بحث مشروعیت در جمله مباحث اساسی و پایه‌ای در حقوق اساسی اسلام قرار می‌گیرد که سایر قوانین و حقوق بر پایه آن استوار می‌شود و سه قوه مقننه، قضائیه و اجراییه و همچنین نهاد رهبری بر اساس آن شکل می‌گیرد.

امید است با این توضیحات، فایده و اهمیت این بحث هم از نظر حقوق اساسی و علوم سیاسی و هم از نظر ابعاد فردی و اجتماعی احکام شرعی اسلام تا حدی روشن شده باشد و پرواضح است که هدف این پایان نامه نیز با بیان این توضیحات مشخص شده است که تبیین و بررسی مبانی و شرایط مشروعیت نظام سیاسی از دیدگاه اسلام است.

شیوه تحقیق ما در این پایان نامه، بر پایه بحث‌های فقهی و حقوقی (حقوق اساسی) و بیان و نقد آنرا و دیدگاه‌ها در زمینه مشروعیت نظام سیاسی و مبانی و شرایط آن با تکیه بر عقل، نقل و علوم جدید می‌باشد. در مباحث نقلی نیز تا آنجا پیش خواهیم رفت که در خور یک بحث حقوقی سیاسی است چه آنکه غور در مباحث نقلی از نظر صحت و سقم و قوت و ضعف حدیث و نقلیه یا غیر ثقیله بودن راوی آن و امثال ذالک نه در حوصله این نوشتار می‌گنجد و نه در توان علمی این نگارنده، که در حیطه علمی فقها و مجتهدین در اصول و فروع و آشنایان به فقه و اجتهاد و مقدمات آن است.

امید است این نوشتار بتواند تا حدی در روشن کردن ابهامات و اشکالات موجود در راه شناخت صحیح از مشروعیت نظام سیاسی و مبانی و ملاکها و شرایط تحقق و اعمال آن از دیدگاه اسلام، مؤثر واقع شود. " ان شاء الله "



فصل اول

تعاریف و کلیات

بخش اول : تعاریف لغوی و اصطلاحی واژه‌های اصلی

در این بخش به تعاریف لغوی و اصطلاحی واژه‌های اصلی این پایان نامه همچون : حکومت ، نظام سیاسی ، دولت ، حاکمیت ، قدرت ، اقتدار ، مشروعیت ، خلافت ، امامت ، ولایت ، امام ، خلیفه ، والی ، حاکم و واژه‌های مشابه آنها پرداخته خواهد شد. هر واژه ابتدا از لحاظ لغوی سپرز نظرا اصطلاحی تعریف خواهد گردید :

– حکومت یا نظام سیاسی : (Government/Political system)

الف) معنی لغوی حکومت : (مصدر لازم) به معنی ۱- فرمان دادن، امر کردن ۲- فرمانروایی کردن ۳- سلطنت کردن ، پادشاهی کردن ۴- داوری کردن ، قضاوت کردن ۵- (اسم مصدر) به معنی فرمانروایی ۶- سلطنت پادشاهی ۷- داوری ، قضاوت .

ب) معنی اصطلاحی «حکومت یا نظام سیاسی»: «مجموعه‌ای از سازمانهای اجتماعی است که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آید. این سازمانها در جامعه ابتدایی وجود ندارند. جامعه ابتدایی به علت پیوستگی و تجانس عظیم خود، بدون متابعت از شخص یا سازمانی معین عمل می‌کند و فقط به هنگام حوادث مهم مانند جنگ که تمرکز نیروهای جامعه و هدایت دقیق آنها ضرورت می‌یابد، شخص یا اشخاص برجسته‌ای را که در نظر مردم دارای توانایی‌هایی فوق العاده هستند، به طور موقت به ریاست برسر

- (۱) محمد معین . فرهنگ فارسی (جلد ۵) (تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم ، ۱۳۶۲ ه.ش.) .
 (۲) بهمن آقایی ، علیرضا علیبا بایی ، فرهنگ علوم سیاسی (۶ جلدی) (تهران: نشر ویس ، چاپ اول ، ۱۳۶۵ ه.ش) ج ۱ ، ص ۲۴۵ .

(۸)

می دارند، اما این ریاست معمولاً دیرنده و ریشه دار نمی باشد.^۱
تعریفی دیگر از حکومت یا نظام سیاسی، آن را چنین معرفی می کند:
حکومت یا نظام سیاسی (Political system)، به مفهوم کوششی
است که برای تحت قاعده مشخص درآوردن و تبیین نحوه پیوند عناصر یک رژیم
سیاسی خاص صورت می گیرد، نظام سیاسی را همچنین مجموعه ملموس نهادها و
انگیزه ها می دانند که ساخت قدرت را ممکن می سازد.^۲
به طور کلی واژه حکومت، دارای سه معنی مختلف است که به ذهن متبادری می شود:

(۱) عمل حکومت ورهبری

(۲) نظام سیاسی

(۳) ارگانهایی که عملاً حکومت را در یک دولت - کشور بر عهده دارند
بویژه ارگانهایی که قوه اجرایی را اعمال می کنند (مانند شورای وزیران).^۳
به نظر اسمن، واژه حکومت به معنای اصل وکل، نمایشگر اجرای اقتدار
عمومی توسط حاکم است. یعنی حاکمیتی، به جریان افتاده است پس حکومت
تجسم بخش دولت - کشور و عامل اجرای حاکمیت موجود در آن است.^۴
با این وصف، از آنجاکه واژه ای با معنای موسع و چندگانه، گاهی به
معنای عملکرد وزمانی به مفهوم ساختار به کار می رود و در زبان رایج جامعه
مانند در معنای اختصاصی، جای خود را به واژه، دولت، داده است و استعمال
آن ممکن است موجب سوء تفاهم زیادی شود. لذا در این پایان نامه ترجیح داده
شده است که از واژه "نظام سیاسی" برای نشان دادن کلیتی که هم معنی
ساختار و کالبدی دارد و هم شیوه و طرز عملکرد فرمانروا را نشان می دهد،

(۱) همان منبع، همان صفحه.

(۲) غلامرضا علیبا بایی، فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل (تهران: نشر
سفیر، چاپ اول بهار ۱۳۶۹ ه. ش).

(۳) ابوالفضل قاضی شریعت پناه، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ج (تهران:
انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰ ه. ش) ص ۳۱۶.

(۴) همان منبع، همان صفحه.